

تحويل

ویدک

مترجم
مصطفی یزانی



انتشارات آتیس

سرشناسه: دایر، وین . ۱۹۴۰-۲۰۱۵ Wayne W Dyer
عنوان و نام پدیدآور: تحول / نویسنده وین دایر؛ ترجمه‌ی مصطفی یزدانی

مشخصات نشر: تهران، آتیس، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۳۶ص.

شابک: 978-600-8399-21-6

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: The shift: taking your life from ambition to meaning, 2010

موضوع: ابراز وجود

موضوع: ابراز وجود - جنبه‌های مذهبی

شناسه افزوده: یزدانی، مصطفی - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲۲الف / BF ۶۳۷

رده‌بندی دیویی: ۱۵۸/۱

شماره ثبت: ۴۵۶۲۳۳۶



دفتر انتشارات: خیابان انقلاب، خیابان دانه گامین بست پورجواد، پلاک ۱، طبقه دوم

تلفن: ۶۶۴۶۵۸۸۱

www.aaxaa.ir

■ تحول

- | | |
|---------------------------------|----------------------------------|
| مؤلف: وین دایر | مترجم: مصطفی یزدانی |
| ناشر: آتیس | ویراستار: وحید روسی |
| نوبت چاپ: دوم (اول ناشر) - ۱۳۹۵ | تیراژ: ۵۰۰ نسخه |
| قیمت: ۹۰۰۰ تومان | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۹۹-۲۱-۶ |
| مدیر فنی: علیرضا فرهمند | کلیه حقوق مادی و معنوی محفوظ است |

مرکز پخش: نشر و پخش درسا، تلفن: ۶۶۴۶۶۹۵۹ - ۶۶۹۶۳۰۳۵

آدرس: خیابان انقلاب، بین خیابان وصال شیرازی و قدس، کوچه اسکو، پلاک ۱۲، طبقه همکف

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
فصل اول	۱۱
فصل دوم	۴۵
فصل سوم	۷۷
فصل چهارم	۱۰۵

مقدمه

به تازگی فیلم مستندی دیدم به نام «در آرامی شتاب کن» و از آن فیلم بسیار خوشم آمد. فیلمی الهام بخش که سفر سرلورن و ندر پست را به تصویر کشیده بود. سرلورن مدت زیادی را با بومیان کالاهایی^۱ گذراند و مطالب زیادی درباره‌ی آنها گردآورد. کرد بینش فوق‌العاده‌ی او را تمایل قلبی نوع بشر می‌دانم که به زیبایی هر چه تمام‌تر در چند سطر خلاصه شده که سرلورن، یکی از بزرگ‌ترین در مسائل آدمیان را پناه گرفتن در مأمنی امن، به عبارت می‌کشند.

ساکنان صحرای کالاهای، گرسنگی را دو جور می‌دانند. یک گرسنگی بزرگ و یک گرسنگی کوچک. گرسنگی کوچک را می‌توان با پر کردن شکم و خوردن چند و چندین لقمه، برطرف کرد. اما گرسنگی بزرگ که می‌توان آن را بزرگ‌ترین گرسنگی بشر نامید، گرسنگی انسان است

۱- بیابانی نیمه خشک با زمین‌های شنزار، در جنوب قاره‌ی آفریقا با مساحت ۹۰۰ هزار کیلومتر مربع

برای یافتن معناست.

آنچه بیش از هر چیز دیگری انسان را آزار می‌دهد و او را از پای درمی‌آورد، این است که یک زندگی بدون معنا را به او تحمیل کنید. ایرادی ندارد که آدمی در جستجوی سعادت باشد.

اما آنچه بیش از هر سعادت به روح آدمی آرامش می‌بخشد،

وای است که مفهومی بسیار بالاتر عمیق‌تر از خوشبختی یا بدبختی دارد.

و آن مفهوم زندگی است.

این معنای زندگی است که بشر را دگرگون می‌کند.

آن‌گاه که معنای زندگی را دریابید و هر کاری که می‌کنید، برای تان معنایی دارد، دیگر نه خوشبختی مهم است، نه فکر.

در چنین حالتی، همواره احساس رضایت می‌کنید و درون تان را تنها نمی‌یابید.

گویی متعلق به جایی هستید

«از کتاب به آرامی شتاب کن.»

همان‌طور که به زیبایی بیان شده، گرسنگی بزرگ، بزرگ‌ترین گرسنگی، اشتیاق بشر برای دستیابی به معناست. دگرگون شدن آن‌طور که در این کتاب آمده و نیز در فیلمی که به همین نام ساخته شده، دعوتی است برای یافتن یک زندگی سرشار از معنا. یعنی دور شدن از یک زندگی پوچ و رفتن به سوی یک زندگی سرشار از هدف.

مدت‌هاست که تصمیم دارم به دیگران کمک کنم تا استعدادهای درونی خود را بیابند، تاکنون حدود هفتاد سفر به گوشه و کنار دنیا کرده و دریافته‌ام که اغلب ما در جستجوی زندگی هدفمند و بامعنا هستیم.

آنچه در این کتاب آمده، دستیابی به آگاهی هوشمندانه‌ای است که سبب پرورش زندگی پرهدف و بامعنا می‌شود، همان چیزی که به آن نیازمندیم.

از روی کتاب «به آرامی شتاب کن» فیلمی ساختند به نام «از جاه‌طلبی به سوی معنا» که بسیاری معنای واقعی این کلمات را درک نکردند. ظاهر نام فیلم، افراد را به اشتباه می‌انداخت و اغلب گمان می‌کردند که این تنها یک فیلم مستند است که برپایه‌ی یکی از سخنرانی‌های من ساخته شد.

هنگام مراسم افتتاحیه‌ی این فیلم، نظرم را در مورد نام آن که گیج کننده می‌نمود، اراز کرد و گفتم که از این فیلم خوشم آمد. اما اگر ساختن این فیلم به من «انزار می‌شد، بدون شک نام دیگری برای آن برمی‌گزیدم و عنوان «مگ‌فونو» را برای آن انتخاب می‌کردم، زیرا این نام، بیانگر مفهوم واقعی فیلم و اتفاقی است که برای فردی رخ می‌دهد که از جاه‌طلبی به سوی معنا می‌رود.

و پس از یک هفته در نهایت دریافتم که نام منید را تغییر دادند، اگرچه هنوز هم در متن آن عنوان «از جاه‌طلبی به سوی معنا» دیده می‌شد. به این فکر افتادم که پیام اصلی آن را در قالب کتابی کوچک، در کنار فیلم بیان کنم. این واژه‌ها مرا به سوی کاربرد استفاده از آن به عنوان زیربنای اصلی کتاب کشاند که هم اکنون نتیجه‌ی آن را در اختیار دارید. در سفر شگفت‌انگیز انسان‌ها به سوی بلوغ، ناگزیر به پدید آوردن تغییراتی در خود هستیم. خوشبختانه تغییرات، فراتر از آن دو تغییر اولیه‌اند که الزامی به نظر می‌رسند. در این سفر، ما می‌کوشیم جهت هوشیاری خود گام برداریم که نتیجه‌ی آن، دستیابی به یک زندگی

هدفمند است.

اما منظور از این هدف چیست؟

اولین تغییر که همه نوع بشر آن را تجربه کرده‌اند، آمدن از نیستی به سوی هستی، تولد از عالم روح به جهان فیزیکی، از دنیای نادیده، به دنیای جهان مادیات و مرزها. به این دلیل تصمیم گرفتم که عنوان فصل اول این کتاب را «از ...» بگذارم که می‌دانم و می‌پذیرم نامی ناکامل است و با این همواره می‌کوشم که از واژه‌ها به عنوان نهادهایی استفاده کنم که تران تعریف کلمات غیرقابل تعریف را دارند. نهادهایی که جایگزین توصیف‌ها می‌شوند. این همان چیزی است که در دنیای نامرئی، دنیایی که همه چیز از آن سرچشمه می‌گیرد، وجود دارد.

دومین تغییر، دگرگونی در مرحله‌ها از به مرحله‌ی جاه‌طلبی است که در این جا تصمیم به توصیف از مارم و به همین دلیل عنوان فصل دوم کتاب را «جاه‌طلبی» می‌نامم.

جاه‌طلبی مرحله‌ای زندگی است که در آن شخصی دروغین برای خود خلق می‌کنیم که در تضاد کامل با جایگاه روح است جایی که از آن آمده‌ایم و اصلیت ما به آن برمی‌گردد.

بنابراین این شخصیت دروغین، سازگاری کاملی با روحیه‌ی ما ندارد. در سفر انسانی، دو تغییر دیگر را نیز تجربه می‌کنیم که هر دو آنها برای این سفر، کاملاً ضروری است. اگرچه بسیاری از آدم‌ها به پایان خط که می‌رسند، تنها همان دو تجربه را پشت سر گذاشته و تنها همان دو تغییر را دیده‌اند، که متأسفانه جاه‌طلبی، آخرین دگرگونی آنهاست.

در کتاب و فیلمی که ساختم، دو تغییر دیگر را مطرح می‌کنم که همه می‌توانند به آن دسترسی یابند.

هنگامی که در این مسیر گام برمی داریم، آن زندگی بدون معنایی که سرلورن وندریست به آن اشاره کرده است، پایان سرنوشت ما نخواهد بود. هر یک از ما این توانایی را دارد که پس از رخ دادن دومین تغییر که از «خویشتن» سرچشمه می گیرد، جهشی به جلو داشته باشد.

برای فصل سوم این کتاب، «به ...» را برگزیده‌ام. منظور از انتخاب این نام، این که در ذهن خود به جایی رسیده‌ام که توان دوری کردن از «خویشتن دروغین» مان را یافته‌ایم. دیگر می‌توانیم به سوی سرچشمه‌ی خود که آن «سر ...» نامیده‌ام، حرکت کنیم. در این مرحله از سفر، ما به سوی جهان بی باور می‌گردیم، به عالم نادیده‌ی الهی و دعوتی که از آن جا صورت گرفته و تنم در این حالت است که می‌توانیم از تسلط «خویشتن» خارج شویم و آن مرام الهی را جایگزین آن سازیم.

در این سفر، یاد می‌گیریم که چگونه به سوی یک زندگی هدفمند و پرمعنا گام برداریم که از منش هستی سرچشمه می گیرد. عنان «خویشتن» مان را در دست بگیریم و اجانبی، هر نوع طغیان را از او سلب کنیم.

آن دگرگونی که در فصل چهارم از آن صحبت می‌کنم، معناست. بنابراین نام آن فصل را «معنا» نامیده‌ام. خویشتن دروغین مان را که رها می‌کنیم و در حالی که هنوز زنده‌ایم، به سوی جهان هستی سرچشمه وجوددمان باز می‌گردیم و زندگی مان را با اصولی جدید پی می‌گیریم، درمی‌یابیم آن گاه که معنا ما را ترغیب به سفر به سوی سرچشمه مان می‌کند، قوانین جهان مادی استفاده و ارزش چندانی ندارند.

معجزاتی را تجربه می‌کنیم و اتفاق‌هایی را می‌بینیم که بازندگی ما سازگاری کاملی دارند. نگرش‌های مان عوض می‌شوند و معنای زندگی

را همان چیزی می‌یابم که در حال حاضر لحظات هستی ما را بیان می‌کند.

تجربه به من نشان داده که متأسفانه جاه‌طلبی‌های ناشی از «خویشتن دروغین» تبدیل به هدف نهایی بسیاری از مردم در زندگی شده است. نشانه‌هایی وجود دارد که می‌توان با توجه به آنها، خود را از شر تمام بی‌پایه و اساس که تنها سبب خشنودی «خویشتن دروغین» ما می‌شود رها ساخت.

می‌توان با بخشش ۱۸۰ درجه‌ای و با انجام سومین حرکتی که سبب دگرگونی‌مان می‌شود، با «عالم معنویت بازگشت و با انجام چهارمین عمل و اختصاص دادن دوباره‌ی حس جاه‌طلبی برای ارضای خواسته‌های خویشتن واقعی‌مان، یک زندگی هدفمند و پرمعنا را پدید آورد. آن‌گاه که هوشمندانه سفر از جاه‌طلبی را به مقصد معنا در پیش می‌گیریم، مهم‌ترین ندای درون‌مان را برآورده کرده و به آن واقعیت بخشیده‌ایم. می‌توانیم زندگی‌مان را دگرگون کنیم. در چنین حالتی جایزه‌ی دیگری نیز نصیب‌مان می‌شود که چیزی نیست، جز تأییری که بر سرنوشت این سیاره‌ی مقدس داریم.

راه‌تان سرشار از عشق وین دایر